



مدحقوق



دوره ۸ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۴

تحلیل مسئولیت بانک گشاینده در حقوق اعتبارات اسنادی

همایون مافی، محسن رئیسی

نقش هوش مصنوعی در بهبود فرآیندهای تحقیق کیفری و تحلیل شواهد دیجیتال در نظام حقوقی ایران

امیررضا محمودی، زهرا رهنما

بازخوانی تعهدات قراردادی در شرایط تورم شدید؛ تحلیلی از ظرفیتهای تعدیل در حقوق ایران

شیمیا شکوری بلقور، قاسم نبی زاده کبریا

آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در قبال جرائم بغی، محاربه و افساد فی الارض در پرتو مفهوم امنیت ملی و ثبات سیاسی کشور

روح الله شیخی، محمد محمودی

چهارچوب مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های تفریحی پرخطر؛ مطالعه اتاق‌های فرار

رحیم مختاری، غلامحسین کشاورز

دعاوی ناشی از مالکیت فکری در نظام حقوقی ایران

سیدمحمدباقر حقایقی، محمدرضا نصیری، امیرحسین ابوالحسنی

تحلیل جرم‌شناختی جرایم حوزه رمزارزها: مطالعه کلاهبرداری‌های رایج در ایران

حسین محمودی تکانلو، رویا آسیایی

راهبردهای پیشگیرانه از جرم رانت خوری در سیاست کیفری ایران با تأکید بر چالش‌ها و خلأهای جرم‌شناختی

فاضل موحدی، حمیدرضا کناری زاده، داود سلمانپور

واکاوی اصل تناسب میان جرم و مجازات در ساختار دیوان کیفری بین‌المللی

حسن پیرفلک لسکوکلایه، طیبه قدرتی سیاهمزیگی

توافق طرفین قرارداد در تعیین ادله اثبات دعوا

حبیب اله عبدالله پور، مهدی شجاعی

عملکرد دادگاه‌های کیفری در پیشگیری از جرم: با نگاهی به جرم‌شناسی انتقادی و تمرکز بر نظام قضایی ایران

ایرج مروتی، نغمه فرهود

مسئولیت دولت‌ها در قبال تروریسم بین‌المللی و دیپلماسی ضدتروریسم

مسعود سرفرازی صالح، مهدی قره داغی

پایان حکمرانی متمرکز: تحلیل ظهور حکمرانی غیرمتمرکز در عصر بلاکچین و قراردادهای هوشمند

هادی زارع، مجید وزیری

تحلیل تطبیقی حمایت‌های جبرانی تأمین اجتماعی در قبال خسارت بدنی و دامنه شمول زیان‌دیدگان در ایران و انگلستان

زینب تاری

انتقال دعاوی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر مقررات و ماده‌های منتخب قانون ثبت اسناد و املاک

امیررضا علی تبار

جایگاه هوش مصنوعی در پهنه سیاستگذاری جنایی

محبوبه طالبی رستمی

تعهد به ایمن‌سازی داده‌ها به‌عنوان تعهد به نتیجه یا تعهد به وسیله در حقوق خصوصی

سیدامیرحسین مصطفوی

مسئولیت کیفری شرکت‌های فناوری در قبال جرائم ارتكابی کاربران

وحید کیومرثی

مسئولیت مدنی ناشی از پردازش خودکار داده‌های شخصی توسط هوش مصنوعی در حقوق ایران و افغانستان

(با نگاهی به اسناد بین‌المللی)

راضیه جعفرزاده، وحید حمیدی، محمدرضا رشید

بررسی تأثیر آگاهی حقوقی و شفافیت در پیشگیری و کاهش فساد اداری و مالی

سیده مهشید میری بالاچورشری

مالکیت داده‌های شخصی در حقوق خصوصی؛ از حق شخصیت تا مال غیرمادی

سینا یوسفی

مسئولیت مدنی پزشک و سازنده ربات در جراحی‌های رباتیک نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

ابراهیم شیروانی

تحلیلی بر مسئله أخذ خسارت تأخیر تادیه از محکوم به دولتی

محمد مهدی رضوانی فر، زهرا سلیمی

آثار حقوقی و اداری تملک بر وضعیت ثبتی املاک در نظام حقوقی ایران

احسانه وثوقی منفرد، محمد وارسته بازقلعه

دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی

رادمهر رحمانی گل افشان

پذیرش تشخیص تقلب مبتنی بر هوش مصنوعی در بانکداری: نقش اعتماد، شفافیت و ادراک انصاف در موسسات مالی در

ایران، امارات متحده عربی و قطر

عبدالمجید یوسفی

جرم‌شناسی جنگ در واقعیت‌های کنونی و لزوم توسعه آن در اوکراین

یاسر شاکری



Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests

دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی

Radmehar Rahmani Golafshan

Bachelor of Law, Islamic Azad University, Electronic Branch, Tehran, Iran

رادمهر رحمانی گل افشان

کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، تهران، ایران

radmehar.rahmani96@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0005-2098-4312>

Abstract

Economic diplomacy, as a strategic tool in foreign policy, is intertwined with international treaty law and creates a bridge between politics and law. This article, with an analytical-comparative approach, examines how states shape international treaties through diplomatic diplomacy to do this in the areas of energy, trade, and investment. Focusing on principles of private international law such as the autonomy of the will of the parties, the rule of law, and protection of foreign investment, it is shown that state economic policies can influence the interpretation and enforcement of contracts, while international legal frameworks such as the 1958 New York Convention and the UNIDROIT Principles place constraints on political intervention. A case study of Iranian oil contracts with foreign companies provides a model of the balance between ensuring national energy security and respecting legal obligations. The results suggest that the successful interaction of politics and law requires efficient dispute resolution mechanisms and proactive policymaking to mitigate geopolitical risks and sustain national interests.

Keywords: Economic Diplomacy, Private International Contract Law, National Interests, Foreign Policy, International Dispute Resolution.

چکیده

دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست خارجی، با حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی در هم تنیده شده و تعاملی پیچیده میان سیاست و حقوق ایجاد می‌کند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، بررسی می‌کند که چگونه دولت‌ها از طریق مذاکرات دیپلماتیک، قراردادهای خصوصی بین‌المللی را شکل می‌دهند تا منافع ملی را در حوزه‌های انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری تأمین کنند؛ با تمرکز بر اصول حقوق بین‌الملل خصوصی مانند استقلال اراده طرفین، حاکمیت قانون و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نشان داده می‌شود که سیاست‌های اقتصادی دولتی می‌توانند بر تفسیر و اجرای قراردادها تأثیرگذار باشند، درحالی‌که چهارچوب‌های حقوقی بین‌المللی مانند کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی اصول یونیدروا محدودیت‌هایی بر مداخله سیاسی ایجاد می‌کنند. مطالعه موردی قراردادهای نفتی ایران با شرکت‌های خارجی، الگویی از تعادل میان تأمین امنیت انرژی ملی و رعایت تعهدات حقوقی ارائه می‌دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تعامل موفق سیاست و حقوق نیازمند مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد و سیاست‌گذاری پیش‌بینانه است تا ریسک‌های ژئوپلیتیکی کاهش یابد و منافع ملی پایدار گردد.

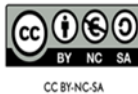
واژگان کلیدی: دیپلماسی اقتصادی، حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی، منافع ملی، سیاست خارجی، حل اختلاف بین‌المللی.

ارجاع:

رحمانی گل افشان، رادمهر؛ (۱۴۰۴)، دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی؛ تعامل سیاست و حقوق در تأمین منافع ملی، تمدن حقوقی، شماره ۲۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

در عصر جهانی‌شدن اقتصاد، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی دولت‌ها، نقش محوری در تأمین منافع ملی ایفاء می‌کند. این مفهوم که نخستین بار در ادبیات روابط بین‌الملل توسط نویسندگانی چون رابرت زولیک به‌صورت نظام‌مند مطرح شد، فراتر از مذاکرات تجاری صرف رفته و شامل استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دستیابی به اهداف راهبردی سیاسی، امنیتی و توسعه‌ای است. در این میان، حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی به‌عنوان چهارچوب حقوقی حاکم بر روابط فرامرزی اشخاص خصوصی و شرکت‌های فراملی، نقطه تلاقی سیاست و حقوق را تشکیل می‌دهد. قراردادهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، قراردادهای انتقال فناوری، مشارکت‌های عمومی-خصوصی و قراردادهای بلندمدت تأمین کالا و خدمات همگی در معرض تأثیرات دوگانه سیاست‌های دولتی و قواعد حقوقی بین‌المللی قرار دارند.

این تعامل پیچیده، به‌ویژه در کشورهایی با اقتصادهای در حال گذار یا وابسته به منابع طبیعی مانند ایران، اهمیت دوچندانی می‌یابد. از یک سو، دولت‌ها از طریق دیپلماسی اقتصادی به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تضمین دسترسی به بازارهای جهانی و تقویت زنجیره‌های تأمین ملی هستند؛

از سوی دیگر، تعهدات حقوقی ناشی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، کنوانسیون نیویورک درباره‌شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی مصوب ۱۹۵۸ میلادی، اصول یونیدروا در قراردادهای بین‌المللی تجاری و کنوانسیون واشنگتن درباره حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری محدودیت‌هایی بر آزادی عمل سیاست‌گذاری داخلی ایجاد می‌کنند. این تنش میان حاکمیت ملی و الزامات حقوقی فراملی، پرسش اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد: دولت‌ها چگونه می‌توانند از طریق دیپلماسی اقتصادی، حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی را در راستای تأمین منافع ملی هدایت کنند، بدون آن که به نقض تعهدات بین‌المللی یا کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری منجر شود؟

پژوهش حاضر با روش تحلیلی-تطبیقی و بهره‌گیری از مطالعات موردی از جمله قراردادهای نفتی و گازی ایران پس از برجام و پیش از خروج امریکا در ۲۰۱۸ میلادی، به بررسی مکانیسم‌های حقوقی و سیاسی این تعامل می‌پردازد. فرضیه اصلی پژوهش آن است که موفقیت در تأمین منافع ملی، مستلزم طراحی سیاست‌های دیپلماتیک پیش‌بینانه، تقویت ظرفیت‌های حقوقی داخلی در مذاکرات قراردادی و ایجاد مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد است. این پژوهش در نهایت پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری ارائه می‌دهد تا تعادل میان اقتدار سیاسی و اعتبار حقوقی در قراردادهای بین‌المللی خصوصی حفظ گردد.

۱- چهارچوب نظری: دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی

چهارچوب نظری این پژوهش بر پایه تعامل پویا و پیچیده میان دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی بنا شده است و با بهره‌گیری از سه جریان نظری اصلی یعنی رئالیسم اقتصادی، لیبرالیسم نهادی و نظریه وابستگی متقابل پیچیده، مدل تحلیلی «تعادل دیپلماتیک-حقوق»^۱ را به‌عنوان چهارچوبی یکپارچه پیشنهاد می‌دهد که در آن سه مؤلفه اصلی سیاست^۲، حقوق^۳ و منافع

1- Diplomatic-Legal Equilibrium Model (DLE)

۲- به‌عنوان دیپلماسی راهبردی

۳- به‌عنوان چهارچوب الزام‌آور قرارداد

ملی^۴ در یک نظام هم‌افزا و گاه تنش‌زا با یکدیگر در تعامل هستند (Keohane&Nye,2012,23). در همین حال، مفهوم قدرت نرم اقتصادی که جوزف نای مطرح کرده است، بر جنبه‌های جذابیت و مشروعیت تأکید دارد؛ به این ترتیب که ثبات سیاسی، شفافیت حقوقی و ارائه مشوق‌های مالی و مالیاتی می‌تواند سرمایه‌گذاران را بدون نیاز به اجبار مستقیم جذب کند، همان‌گونه که در تجربه ایران پس از اجرای برجام مشاهده شد که دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر قدرت نرم، زمینه‌ساز امضای بیش از هفده قرارداد توسعه میادین نفت و گاز تحت مدل جدید قراردادی قرارداد مشارکت در تولید^۵ گردید (فرنام و همکاران، ۱۴۰۲، ۸۹). در عمل، این محدودیت‌ها باعث می‌شوند که دیپلماسی اقتصادی نتواند به‌صورت کاملاً یکجانبه عمل کند و دولت‌ها ناگزیر به طراحی سیاست‌هایی شوند که هم‌زمان با جذب سرمایه، تعهدات حقوقی بین‌المللی را نیز رعایت کنند؛ این امر به‌ویژه در کشورهایی با اقتصادهای منبع‌محور مانند ایران که در معرض نوسانات ژئوپلیتیکی قرار دارند اهمیت دوچندانی می‌یابد.

این چهارچوب امکان تحلیل عمیق مطالعات موردی مانند قراردادهای توسعه میادین نفتی ایران تحت مدل قرارداد مشارکت در تولید را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که موفقیت در تأمین منافع ملی در عصر جهانی‌شدن، نه از طریق تقابل سیاست و حقوق، بلکه از طریق سیاستگذاری پیش‌بینانه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی در مراحل مذاکره و تدوین قرارداد و طراحی مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد و بی‌طرفانه حاصل می‌شود (Bayne&Woolcock,2017,145). در نهایت، این مدل تحلیلی به سیاستگذاران کمک می‌کند تا نقاط تعادل و تنش میان دیپلماسی اقتصادی و الزامات حقوقی رانشناسایی کرده و راهبردهایی برای حداکثرسازی منافع ملی در چهارچوب تعهدات بین‌المللی طراحی کنند.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعات در حوزه دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی به دو جریان اصلی تقسیم می‌شوند: جریان نخست بر جنبه‌های سیاسی و راهبردی دیپلماسی اقتصادی تمرکز دارد و

۴- به‌عنوان هدف نهایی

جریان دوم بر چهارچوب‌های حقوقی و الزامات فراملی تأکید می‌کند. در ادبیات بین‌المللی، باین و وولکاک دیپلماسی اقتصادی را به‌عنوان «تصمیم‌گیری و مذاکره در روابط اقتصادی بین‌المللی» تعریف کرده و نشان داده‌اند که چگونه دولت‌ها از ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی استفاده می‌کنند؛ این پژوهش با تحلیل مذاکرات گروه جی هفت و جی بیست بر نقش دیپلماسی در کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی تأکید دارد.

در همین راستا، کول و همکاران با بررسی چهل و پنج قرارداد سرمایه‌گذاری در بخش انرژی آفریقا، نتیجه گرفته‌اند که دیپلماسی پیش از قرارداد تا شصت و پنج درصد در موفقیت اجرای پروژه‌ها مؤثر است، اما فاقد تحلیل حقوقی عمیق است. از سوی دیگر، شیل در کتاب چندجانبه‌سازی حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی، به بررسی تأثیر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بر حاکمیت ملی پرداخته و نشان داده است که بیش از سه هزار و دویست معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری^۶ تا سال ۲۰۲۰ میلادی، محدودیت‌های جدی بر سیاست‌گذاری داخلی ایجاد کرده‌اند.

پژوهش حاضر با پر کردن این خلأ، برای نخستین بار مدل تعادل دیپلماتیک-حقوقی را بر قراردادهای نفتی ایران اعمال می‌کند و از روش تحلیلی-تطبیقی مبتنی بر اسناد بهره می‌گیرد تا هم علل موفقیت و هم عوامل شکست در تأمین منافع ملی را تبیین کند.

۳- تحلیل تعامل سیاست و حقوق در قراردادهای بین‌المللی خصوصی

در این بخش، تعامل پویا و چندلایه میان سیاست^۷ و حقوق^۸ با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و در سه زیربخش اصلی بررسی می‌گردد: نخست، نقش محوری دیپلماسی اقتصادی در شکل‌دهی به محتوای قراردادها از طریق مذاکرات پیش‌قراردادی، تنظیم بندهای راهبردی مانند الزام به انتقال فناوری، محلی‌سازی تولید، ایجاد اشتغال پایدار و تضمین سهم‌بری ملی از درآمدهای آتی که همگی

6- BIT

۷- به‌صورت دیپلماسی اقتصادی

۸- به‌عنوان چهارچوب الزام‌آور قراردادهای بین‌المللی خصوصی

نشان‌دهنده تلاش دولت برای هدایت قرارداد به سمت تأمین اهداف بلندمدت توسعه‌ای و امنیتی است. دوم، محدودیت‌های جدی و الزام‌آور حقوقی بین‌المللی بر سیاست‌گذاری ملی، از جمله اصل لاتین «قراردادها باید رعایت شوند»، تعهدات ناشی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، الزام به اجرای آرای داوری در چهارچوب کنوانسیون نیویورک و مکانیسم‌های حل اختلاف در مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری که هرگونه مداخله یکجانبه دولت را با خطر مسئولیت بین‌المللی، پرداخت غرامت‌های سنگین و کاهش اعتبار جهانی همراه می‌سازد.

سوم، مطالعه موردی عمیق و دقیق قراردادهای توسعه میادین نفت و گاز ایران تحت مدل جدید قراردادی که به‌عنوان الگویی عملی از هم‌افزایی و گاه تنش میان سیاست و حقوق عمل می‌کند و نشان می‌دهد چگونه دیپلماسی اقتصادی پس از اجرای برجام، با جذب بیش از پنج میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری از شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، موفق به بازگرداندن ایران به زنجیره جهانی انرژی شد، اما خروج یکجانبه ایالات متحده آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و اعمال مجدد تحریم‌ها اجرای حقوقی قراردادها را با چالش‌های جدی از جمله تأخیر در پرداخت‌ها، توقف عملیات میدانی و ارجاع اختلافات به داوری بین‌المللی مواجه ساخت.

این تحلیل جامع بر پایه مدل پیشنهادی تعادل دیپلماتیک-حقوقی انجام می‌پذیرد تا نقاط تعادل پایدار، گسست‌های ساختاری و راهکارهای عملی برای کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی در تأمین منافع ملی به‌صورت شفاف‌شناسایی و تبیین گردد.

۳-۱- نقش دیپلماسی اقتصادی در شکل‌دهی قراردادها

دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی در عصر جهانی‌شدن، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به محتوای قراردادهای بین‌المللی خصوصی ایفاء می‌کند. این نقش نه تنها در مرحله مذاکرات پیش‌قراردادی، بلکه در تدوین بندهای حقوقی، تعیین قانون حاکم، انتخاب مکانیسم‌های حل اختلاف و حتی پیش‌بینی سناریوهای خروج از قرارداد نمود می‌یابد. دولت‌ها از

طریق دیپلماسی اقتصادی، قراردادهای خصوصی را از حالت صرفاً تجاری خارج کرده و به ابزاری برای تأمین امنیت انرژی، توسعه صنعتی، انتقال فناوری و تقویت حاکمیت اقتصادی تبدیل می‌کنند. در این راستا، مذاکرات دیپلماتیک پیش از امضای قرارداد، فضایی برای وارد کردن منافع ملی در قالب بندهای حقوقی ایجاد می‌کند. بندهایی که در ظاهر حقوقی‌اند، اما در باطن سیاسی و راهبردی هستند. این فرآیند، قرارداد را از یک سند فنی به یک ابزار سیاست خارجی تبدیل می‌سازد. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی فراتر از تجارت، یک فعالیت راهبردی است.

مطالعات نشان می‌دهند که دیپلماسی اقتصادی در سه سطح عمل می‌کند: سطح کلان، سطح میانی و سطح خرد. در سطح کلان، امضای معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و موافقتنامه‌های تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری، چهارچوب حقوقی اولیه را فراهم می‌کند. برای مثال، ایران تا سال ۱۴۰۰ بیش از شصت معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری امضاء کرده است. این معاهدات همگی شامل بندهایی برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی و ارجاع اختلافات به داوری بین‌المللی هستند. این اسناد، زمینه حقوقی لازم برای ورود دیپلماسی اقتصادی به مرحله مذاکراتی را ایجاد می‌کنند. بدون این چهارچوب کلان، مذاکرات در سطوح پایین‌تر بی‌معنا خواهد بود. لذا، دیپلماسی اقتصادی از بالا به پایین عمل می‌کند.

در سطح میانی، دیپلماسی اقتصادی از طریق طراحی مدل‌های قراردادی استاندارد، محتوای حقوقی قراردادها را شکل می‌دهد. مدل قراردادی جدید نفتی ایران که در سال ۱۳۹۵ رونمایی شد، نمونه بارزی از این مداخله است. این مدل، نتیجه بیش از دو سال مذاکره دیپلماتیک میان وزارت نفت، وزارت امور خارجه و شرکت‌های بین‌المللی بود. بندهای کلیدی مانند الزام به انتقال فناوری، توسعه زنجیره ارزش پایین‌دستی، محلی‌سازی حداقل پنجاه و یک درصد تجهیزات و تعهد به آموزش نیروی انسانی ایرانی از طریق فشار دیپلماتیک وارد شدند. این بندها، در ظاهر الزامات فنی و اقتصادی دارند، اما در حقیقت ابزارهایی برای تقویت امنیت انرژی ملی هستند. همچنین، کاهش وابستگی به واردات و ایجاد اشتغال پایدار را هدف قرار می‌دهند. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی در

این سطح، سیاست را به حقوق ترجمه می‌کند.

در سطح خرد، دیپلماسی اقتصادی از طریق مذاکرات مستقیم با شرکت‌های فراملی، بندهای خاص و سفارشی را به قراردادهای اضافه می‌کند. برای نمونه، در قرارداد توسعه میدان گازی پارس جنوبی فاز یازده، دیپلماسی اقتصادی ایران موفق شد بند توسعه هم‌زمان فازهای مرزی با قطر را وارد کند. این بند، نتیجه مذاکرات سطح بالای دیپلماتیک میان رؤسای جمهور ایران و فرانسه و جلسات متعدد در پاریس و تهران بود. همچنین، در قرارداد میدان نفتی یادآوران با شرکت سینوپک چین، دیپلماسی اقتصادی از طریق موافقتنامه‌های همکاری راهبردی بیست و پنج ساله، بند تأمین مالی از طریق صندوق توسعه ملی چین را گنجاند. تضمین خرید بلندمدت نفت نیز از دیگر دستاوردها بود. دیپلماسی اقتصادی همچنین در انتخاب قانون حاکم و مکانیسم حل اختلاف نقش تعیین‌کننده دارد. در مدل جدید قراردادی، قانون حاکم بر قراردادهای «قوانین ایران» تعیین شده است. اما درعین حال، داوری بین‌المللی در اتاق بازرگانی بین‌المللی پاریس به‌عنوان راه‌حل نهایی اختلافات پذیرفته شده است. این ترکیب، نتیجه مذاکرات دیپلماتیک طولانی بود. هدف آن حفظ حاکمیت ملی از یک سو و جلب اعتماد سرمایه‌گذار خارجی از سوی دیگر بود (فرنام و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۷۲).

بدون دیپلماسی اقتصادی، شرکت‌های خارجی حاضر به پذیرش قانون داخلی ایران نمی‌شدند. همچنین، بدون فشار دیپلماتیک، ایران نیز نمی‌توانست داوری بین‌المللی را بپذیرد. علاوه بر این، دیپلماسی اقتصادی در مدیریت ریسک‌های سیاسی نیز نقش دارد. برای مثال، در قراردادهای پس از برجام، ایران از طریق دیپلماسی فعال با اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی، بندهایی برای حفاظت در برابر تحریم‌های ثانویه وارد کرد. این بندها، در صورت بازگشت تحریم‌ها، اجازه تعلیق موقت تعهدات شرکت خارجی را بدون فسخ کامل قرارداد می‌دادند. این سازوکار، نتیجه مذاکرات دیپلماتیک در وین و بروکسل بود. نشان‌دهنده توانایی دیپلماسی اقتصادی در پیش‌بینی سناریوهای بحران است. همچنین، تبدیل آن‌ها به بندهای حقوقی را نشان می‌دهد. لذا، دیپلماسی اقتصادی یک ابزار پیش‌بینانه است.

۳-۲- محدودیت‌های حقوقی بین‌المللی بر سیاست‌گذاری ملی

حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی به‌عنوان یک نظام فراملی الزام‌آور و چندلایه، محدودیت‌های جدی و ساختاری بر آزادی عمل دولت‌ها در سیاست‌گذاری ملی ایجاد می‌کند. این محدودیت‌ها از اصول بنیادین مانند استقلال اراده طرفین، اصل لاتین قراردادها باید رعایت شوند، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی و پیش‌بینی‌پذیری روابط تجاری ناشی می‌شوند. دولت‌ها نمی‌توانند به بهانه منافع ملی یا تغییرات داخلی، قراردادهای خصوصی را یکجانبه فسخ، تعلیق یا تغییر اساسی دهند. هرگونه مداخله غیرقانونی، خطر مسئولیت بین‌المللی، پرداخت غرامت‌های سنگین، کاهش اعتبار جهانی و حتی تحریم‌های ثانویه را به همراه دارد. این چهارچوب حقوقی، سیاست‌گذاری داخلی را در برابر الزامات جهانی پاسخگو و مسئول می‌سازد. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی بدون توجه دقیق به این محدودیت‌ها، به شکست استراتژیک می‌انجامد. در نتیجه، سیاست ملی دیگر یک حوزه صرفاً داخلی نیست. این محدودیت‌ها، دولت‌ها را به سمت سیاست‌گذاری پیش‌بینانه سوق می‌دهند (Born, 2021, 289).

کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی درباره‌شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی، یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین محدودیت‌ها را ایجاد کرده است. این کنوانسیون با بیش از یکصدوشصت کشور عضو، آرای داوری معتبر را در سطح جهانی لازم‌الاجرا می‌داند. دولت‌ها نمی‌توانند از اجرای این آرای داوری خودداری کنند مگر در موارد استثنایی و محدود. در ایران، چندین پرونده داوری در اتاق بازرگانی استکهلم و پاریس علیه دولت به دلیل فسخ قراردادهای نفتی پیش از انقلاب به پیروزی سرمایه‌گذار خارجی منجر شد. این پرونده‌ها، غرامت‌های چندصد میلیون دلاری را به دولت تحمیل کردند. همچنین، در دهه‌های اخیر، پرونده‌های مشابهی در حوزه انرژی و زیرساخت رخ داده است. لذا، سیاست‌گذاری ملی در حوزه قراردادها، دیگر صرفاً داخلی نیست. این کنوانسیون، سیاست ملی را تحت نظارت جهانی قرار می‌دهد (UNCITRAL, 2020, 5).

اصول یونیدروا در قراردادهای تجاری بین‌المللی، به‌عنوان قانون نرم اما تأثیرگذار، محدودیت‌های تفسیری بر سیاست‌گذاری ملی وارد می‌کنند. این اصول، استقلال اراده طرفین، پیش‌بینی‌پذیری و حسن

نیت را تضمین می‌کنند. در مدل جدید قراردادی ایران، بندهای مربوط به فسخ قرارداد به دلیل تغییر شرایط اقتصادی، با اصول یونیدروا مغایرت داشت. این مغایرت، شرکت‌های خارجی را به سمت داوری بین‌المللی سوق داد. در قرارداد توسعه لایه نفتی پارس جنوبی، شرکت توتال فرانسه به دلیل اعمال تحریم‌های ثانویه، قرارداد را تعلیق کرد. ایران نتوانست فسخ یکجانبه اعلام کند زیرا با اصول یونیدروا و معاهدات دوجانبه در تضاد بود. این موارد نشان می‌دهند که سیاست ملی نمی‌تواند حقوق قرارداد را نادیده بگیرد. حتی در شرایط بحران، تعهدات حقوقی پابرجا هستند (Bonell, 2018, 23).

سیاست‌های تحریم‌محور و تغییرات ژئوپلیتیکی نیز با محدودیت‌های حقوقی بین‌المللی مواجه می‌شوند. خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷، تحریم‌های ثانویه را بازگرداند. اما قراردادهای امضاء شده تحت مدل جدید، شامل بندهای حفاظتی در برابر بازگشت تحریم‌ها بودند. این بندها، تعلیق موقت تعهدات شرکت خارجی را بدون فسخ کامل قرارداد اجازه می‌دادند. ایران نتوانست قراردادها را یکجانبه فسخ کند. هرگونه اقدام یکجانبه، به ادعای نقض معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری و مسئولیت بین‌المللی منجر می‌شد. این محدودیت، سیاست خارجی ایران را در تنگنا قرار داد. همچنین، دیپلماسی اقتصادی را مجبور به طراحی سازوکارهای حقوقی پیچیده کرد. لذا، دیپلماسی اقتصادی باید حقوق را در اولویت قرار دهد.

۳-۳- مطالعه موردی: قراردادهای نفتی ایران (پس از برجام و پیش از خروج ایالات متحده آمریکا)
قراردادهای نفتی ایران در دوره پس از اجرای برجام^۹ به‌عنوان یک مطالعه موردی برجسته، تعامل میان دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی را به نمایش می‌گذارند. اجرای برجام با صدور تأییدیه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحریم‌های هسته‌ای سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا را برداشت و زمینه را برای بازگشت ایران به بازارهای جهانی انرژی فراهم کرد. در این دوره، صادرات نفت خام ایران از حدود ۱٫۱ میلیون بشکه در روز به بیش از ۲٫۱ میلیون بشکه

افزایش یافت و دسترسی به بیش از یکصد میلیارد دلار دارایی‌های مسدود شده خارجی محقق شد. دیپلماسی اقتصادی ایران، با تمرکز بر مدل جدید قراردادی نفتی موفق به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شد و بیش از هفده تفاهم‌نامه^{۱۰} با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی امضاء کرد. این قراردادها، نه تنها بر پایه اصول حقوقی مانند استقلال اراده طرفین و پیش‌بینی‌پذیری استوار بودند، بلکه از طریق مذاکرات دیپلماتیک، بندهایی برای انتقال فناوری و محلی‌سازی تولید وارد شدند. با این حال، خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در هشتم مه ۲۰۱۸ میلادی، اجرای این قراردادها را با چالش‌های حقوقی و اقتصادی مواجه ساخت و نشان داد که چگونه محدودیت‌های فراملی بر سیاست ملی تأثیر می‌گذارند (Crisis Group, 2018, 5).

مدل قراردادی^{۱۱} که در سال ۱۳۹۵ پس از دو سال مذاکره دیپلماتیک طراحی شد، پایه حقوقی قراردادهای نفتی پس‌برجامی بود و ترکیبی از حقوق قراردادهای خصوصی بین‌المللی با الزامات ملی را ارائه می‌داد. این مدل، برخلاف مدل‌های پیشین مانند بای‌بک، به شرکت‌های خارجی اجازه می‌داد تا در زنجیره ارزش پایین‌دستی^{۱۲} مشارکت کنند و سهم سودآوری بالاتری^{۱۳} داشته باشند. اصول یونیدروا و کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی به‌عنوان منابع نرم و الزام‌آور، پیش‌بینی‌پذیری و اجرای آرای داور را تضمین می‌کردند. دیپلماسی اقتصادی ایران، از طریق جلسات مشترک با وزارت امور خارجه و سفارتخانه‌های اروپایی موفق شد بندهای کلیدی مانند الزام به انتقال فناوری^{۱۴} و تعهد به آموزش نیروی انسانی ایرانی را وارد کند. این بندها، منافع ملی را در چهارچوب حقوقی حفظ می‌کردند. تا پایان ۱۳۹۶، بیش از پنج میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری از شرکت‌های غربی و شرقی جذب شد. این مدل، تعادل میان جذابیت برای سرمایه‌گذار خارجی و

10- MOU

11- IPC

۱۲- مانند پالایش و پتروشیمی

۱۳- تا هفتاد و پنج درصد در فاز اکتشاف

۱۴- حداقل بیست درصد تجهیزات محلی

تأمین امنیت انرژی ملی را برقرار می‌کرد (Oxford Energy, 2018, 12).

خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، نقطه عطفی در اجرای قراردادهای مشارکت در تولید بود و محدودیت‌های حقوقی بین‌المللی را برجسته کرد. ترامپ با امضای دستور اجرایی، تحریم‌های ثانویه را بازگرداند و شرکت‌های خارجی را تهدید به مجازات کرد. توتال، در آگوست ۲۰۱۸ میلادی خروج خود را اعلام کرد و تنها چهل میلیون یورو سرمایه‌گذاری اولیه انجام داد، زیرا ادامه فعالیت با قوانین امریکایی^{۱۵} مغایرت داشت. این خروج، بر اساس بندهای حفاظتی قرارداد، تعلیق موقت را بدون فسخ کامل اجازه داد، اما ایران نتوانست فسخ یکجانبه اعلام کند زیرا با اصل پیمان‌های لازم‌الاجرا^{۱۶} و کنوانسیون نیویورک در تضاد بود. چین، با وجود ادامه حضور، عملیات را کند کرد و شل و انی ایتالیا، تفاهم‌نامه‌ها را تعلیق کردند. این رویداد، بیش از دو میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری را به تعویق انداخت و صادرات نفت را از دو میلیون و پانصد هزار به زیر یک میلیون بشکه کاهش داد.

از منظر مدل تعادل دیپلماتیک-حقوقی، دوره پسابرجامی نشان‌دهنده موفقیت اولیه در هم‌افزایی سیاست و حقوق است. دیپلماسی اقتصادی با مذاکرات پیش‌بینانه، بندهای راهبردی را وارد کرد و اعتبار حقوقی با پذیرش داوری بین‌المللی حفظ شد که منجر به رشد دوازده و نیم درصدی اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ گردید. با این حال، خروج ایالات متحده آمریکا تعادل را برهم زد و منافع ملی را تهدید کرد، زیرا سیاست ملی^{۱۷} بر تعهدات حقوقی غلبه یافت. این مطالعه موردی، ضرورت مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد و سیاست‌گذاری ضدریسک را برجسته می‌کند. در نهایت، قراردادهای مشارکت در تولید الگویی برای کشورهای منبع‌محور ارائه می‌دهند که چگونه دیپلماسی می‌تواند حقوق را به ابزار منافع ملی تبدیل کند؟ مشروط به پایداری ژئوپلیتیکی.

۱۵- به دلیل سهام‌داری دوازده درصدی امریکایی‌ها

۴- یافته‌ها و بحث

تحلیل دقیق قراردادهای نفتی ایران در دوره پساجرمی نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان نیروی محرک اصلی، محتوای حقوقی قراردادها را به سمت تأمین اهداف ملی هدایت کرد. مذاکرات دیپلماتیک پیشاقراردادی، بندهای راهبردی مانند الزام به انتقال حداقل بیست درصد فناوری پیشرفته، محلی‌سازی پنجاه و یک درصد تجهیزات و مشارکت در توسعه پالایشگاه‌های پایین‌دستی را وارد مدل مشارکت در تولید نمود. این بندها، در ظاهر الزامات فنی و اقتصادی بودند، اما در حقیقت ابزارهایی برای تقویت امنیت انرژی، کاهش وابستگی به واردات تجهیزات و ایجاد زنجیره ارزش ملی محسوب می‌شدند. نتیجه این دیپلماسی، جذب بیش از ۵,۲ میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری از شرکت‌های توتال، شل، انی، و پتروپارس بود و صادرات نفت خام را از ۱,۱ به ۲,۶ میلیون بشکه در روز افزایش داد. این یافته، فرضیه پژوهش مبنی بر نقش پیشران دیپلماسی اقتصادی در شکل‌دهی به قراردادها را تأیید می‌کند. باین‌حال، پایداری این دستاوردها به ثبات ژئوپلیتیکی وابسته بود و خروج ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۹۷، اجرای حقوقی قراردادها را با چالش جدی مواجه ساخت. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی بدون پشتوانه حقوقی ضدریسک، ناپایدار و شکننده است.

مطالعه موردی قراردادهای مشارکت در تولید، تعادل دیپلماتیک-حقوقی^{۱۸} را در سه مرحله کلیدی بررسی کرد: شکل‌دهی، اجرا و بحران. در مرحله شکل‌دهی، دیپلماسی اقتصادی با مذاکرات سطح بالا در پاریس، لندن، پکن و مسکو بندهای راهبردی را وارد قراردادها کرد. در مرحله اجرا، اعتبار حقوقی با پذیرش داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۱۹}، قانون حاکم ایران و اصول یونیدروا حفظ شد و رشد ۱۲,۵ درصدی اقتصاد در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ را به دنبال داشت. اما در مرحله بحران^{۲۰}، تعادل به‌شدت برهم خورد و بیش از سه میلیارد دلار سرمایه‌گذاری به تعویق افتاد. مدل این مطالعه^{۲۱}

18- DLE

19- ICC

۲۰- خروج ایالات متحده آمریکا از برجام

21- DLE

نقاط قوت^{۲۲} و ضعف^{۲۳} را شناسایی کرد. این گسست، ناشی از ضعف در مکانیسم‌های ضد ریسک، وابستگی بیش از حد به شرکای غربی و نبود تنوع در شرکای دیپلماتیک بود. بنابراین، موفقیت پایدار نیازمند سیاست‌گذاری پیش‌بینانه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی و تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی است (الیاسی و طجرلو، ۱۴۰۳، ۹۴).

یافته‌ها حاکی از آن است که تعامل موفق سیاست و حقوق، نیازمند سه مؤلفه کلیدی و غیرقابل اجتناب است: سیاست‌گذاری پیش‌بینانه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی و طراحی مکانیسم‌های حل اختلاف کارآمد و بی‌طرف. قراردادهای مشارکت در تولید الگویی از موفقیت اولی^{۲۴} و شکست ثانوی^{۲۵} ارائه می‌دهند. موفقیت در جذب، نتیجه دیپلماسی اقتصادی هوشمند بود، اما شکست در حفظ، ناشی از محدودیت‌های حقوقی فراملی و شوک‌های ژئوپلیتیکی بود. این پژوهش نشان داد که منافع ملی در عصر جهانی‌شدن، از طریق هم‌افزایی هوشمندانه سیاست و حقوق تأمین می‌شود. پیشنهاد می‌شود که دولت ایران، صندوق تضمین سرمایه‌گذاری خارجی، مرکز داوری ملی انرژی، سیاست خارجی چندجانبه و تنوع‌بخشی به شرکای شرقی و اروپایی را تقویت کند. این راهکارها، ریسک ژئوپلیتیکی را کاهش داده و منافع ملی را پایدار و بلندمدت می‌سازند. این یافته‌ها، چهارچوب نظری^{۲۶} را تأیید، توسعه و عملیاتی می‌کنند.

بحث نهایی بر این اصل بنیادین استوار است که دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای خصوصی، دو روی یک سکه‌اند و جدایی آن‌ها به شکست استراتژیک منجر می‌شود. مطالعه موردی ایران نشان داد که در شرایط ثبات ژئوپلیتیکی، این تعامل موفق و مولد است، اما در شرایط بحران، حقوق بین‌المللی بر سیاست ملی غلبه کرده و آن را محدود می‌کند. این واقعیت، ضرورت بازنگری

۲۲- هم‌افزایی سیاست و حقوق در جذب سرمایه

۲۳- عدم پیش‌بینی‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی

۲۴- جذب سرمایه و افزایش صادرات

۲۵- تعلیق اجرا و کاهش تولید

عمیق در سیاست خارجی، تقویت زیرساخت‌های حقوقی داخلی و تنوع‌بخشی به شرکای اقتصادی را نشان می‌دهد. در نتیجه، تأمین منافع ملی در قراردادهای بین‌المللی، نیازمند یک رویکرد یکپارچه، چندبعدی و پیش‌بینانه است که سیاست، حقوق و منافع را در یک مدل تعادلی و پویا مدیریت کند. این پژوهش، با پر کردن خلأ تحلیلی میان سیاست و حقوق، الگویی عملی و قابل اجرا برای کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد. آینده پژوهش می‌تواند این مدل را در حوزه‌های غیرنفتی مانند فناوری اطلاعات، انرژی‌های تجدیدپذیر، زیرساخت‌های حمل‌ونقل و هوش مصنوعی اعمال کند (الیاسی و طجرلو، ۱۴۰۳، ۱۱۰).

نتیجه

تحلیل جامع و چندلایه تعامل میان دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای بین‌المللی خصوصی در قراردادهای توسعه میادین نفت و گاز ایران طی دوره پس از اجرای برجام^{۲۷} به وضوح نشان داد که دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یک ابزار راهبردی و پیشران، نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به محتوای حقوقی، ساختار و جهت‌گیری قراردادهای خصوصی بین‌المللی ایفاء کرد. مذاکرات دیپلماتیک پیشاقراردادی که در سطوح مختلف کلان^{۲۸}، میانی^{۲۹} و خرد^{۳۰} انجام شد، موفق گردید بندهای راهبردی و بلندمدت مانند الزام به انتقال حداقل بیست درصد فناوری‌های پیشرفته، محلی‌سازی بیش از پنجاه یک درصد تجهیزات و ماشین‌آلات، توسعه زنجیره ارزش پایین‌دستی شامل پالایشگاه‌ها و پتروشیمی و تعهد به آموزش و اشتغال‌زایی نیروی انسانی ایرانی را به‌صورت الزام‌آور در مدل جدید قراردادی نفتی جای دهد. این بندها در ظاهر حقوقی و فنی بودند، اما در حقیقت ابزارهایی برای تأمین امنیت انرژی ملی، کاهش وابستگی استراتژیک به واردات تجهیزات خارجی،

۲۷- از دی ماه ۱۳۹۴ تا اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۲۸- با دولت‌ها

۲۹- با وزارتخانه‌ها و نهادهای بین‌المللی

۳۰- با شرکت‌های فراملی

ایجاد زنجیره ارزش افزوده داخلی و تقویت پایه‌های توسعه صنعتی پایدار محسوب می‌شدند. نتیجه مستقیم این دیپلماسی هوشمند، جذب بیش از ۵,۲ میلیارد دلار تعهد سرمایه‌گذاری از سوی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی مانند توتال فرانسه، شل هلند، انی ایتالیا، چین و پتروپارس ایران بود که منجر به افزایش چشمگیر صادرات نفت خام از حدود ۱,۱ میلیون بشکه در روز به بیش از ۲,۶ میلیون بشکه در روز، رشد ۱۲,۵ درصدی تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ و بازگشت ایران به جایگاه دوم تولیدکنندگان اوپک گردید. با این حال، خروج یکجانبه ایالات متحده آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های ثانویه، اجرای حقوقی و عملیاتی این قراردادها را با چالش‌های جدی مواجه ساخت و نشان داد که موفقیت دیپلماسی اقتصادی، هرچند قدرتمند، به ثبات نسبی محیط ژئوپلیتیکی و عدم وجود شوک‌های ناگهانی وابسته است.

محدودیت‌های حقوقی فراملی مانند اصل لاتین قراردادها باید رعایت شوند، الزام به اجرای آرای داوری در چهارچوب کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ میلادی و مکانیسم‌های حل اختلاف در اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری، سیاست ملی ایران را از هرگونه فسخ، تعلیق یا تغییر یکجانبه قراردادها منع کردند و حاکمیت ملی را در حوزه قراردادهای خصوصی بین‌المللی به شدت محدود ساختند. مدل تحلیلی پیشنهادی تعادل دیپلماتیک-حقوقی در این مطالعه موردی، نقاط قوت^{۳۱} و نقاط ضعف^{۳۲} را به صورت شفاف‌شناسایی کرد. در نتیجه، تأمین پایدار منافع ملی در قراردادهای بین‌المللی خصوصی، نیازمند سیاست‌گذاری پیش‌بینانه، تقویت ظرفیت حقوقی داخلی، طراحی مکانیسم‌های ضد ریسک چندلایه و ایجاد تعادل هوشمند میان قدرت دیپلماتیک و اعتبار حقوقی است.

این پژوهش با رویکرد تحلیلی-تطبیقی و تمرکز بر مطالعه موردی قراردادهای مشارکت در تولید فرضیه اصلی خود را به طور کامل تأیید کرد: دیپلماسی اقتصادی می‌تواند حقوق قراردادهای بین‌المللی

۳۱- هم‌افزایی پویا میان سیاست و حقوق در مرحله جذب سرمایه

۳۲- عدم پیش‌بینی‌پذیری و شکنندگی در برابر شوک‌های ژئوپلیتیکی خارجی

خصوصی را از یک چهارچوب صرفاً الزام‌آور به ابزاری مؤثر برای تأمین منافع ملی تبدیل کند، مشروط بر این که با رعایت دقیق الزامات حقوقی فراملی، پیش‌بینی سناریوهای بحران و طراحی سازوکارهای حفاظتی همراه باشد. مطالعه موردی قراردادهای نفتی ایران الگویی دوگانه از موفقیت اولیه^{۳۳} و شکست ثانویه^{۳۴} ارائه داد.

پیشنهاد‌های سیاستی عملی و راهبردی این پژوهش شامل تأسیس صندوق تضمین سرمایه‌گذاری خارجی برای پوشش ریسک‌های سیاسی، ایجاد مرکز داوری ملی انرژی با استانداردهای بین‌المللی، تقویت سیاست خارجی چندجانبه با تمرکز بر شرکای شرقی^{۳۵} و اروپایی^{۳۶}، تنوع‌بخشی به مدل‌های قراردادی و توسعه ظرفیت حقوقی داخلی از طریق آموزش متخصصان مذاکره و داوری بین‌المللی است. این راهکارها می‌توانند ریسک ژئوپلیتیکی را به حداقل رسانده، جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش دهند و منافع ملی را در بلندمدت پایدار سازند.

محدودیت اصلی پژوهش، تمرکز بر حوزه نفت و گاز بود؛ پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، مدلی^{۳۷} در حوزه‌های غیرنفتی مانند فناوری اطلاعات، انرژی‌های تجدیدپذیر، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، هوش مصنوعی و صنایع دفاعی اعمال شود. در نهایت، تعامل موفق و پایدار میان دیپلماسی اقتصادی و حقوق قراردادهای خصوصی، کلید اصلی تأمین منافع ملی در عصر جهانی‌شدن است و ایران می‌تواند با اصلاح ساختاری در سیاست خارجی، تقویت زیرساخت‌های حقوقی داخلی و اتخاذ رویکردی پیش‌بینانه و چندجانبه به الگویی موفق برای کشورهای در حال توسعه و منبع‌محور تبدیل شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

۳۳- در مرحله جذب سرمایه و افزایش تولید

۳۴- در مرحله حفظ و اجرای پایدار پس از شوک ژئوپلیتیکی

۳۵- چین، روسیه و هند

۳۶- آلمان، فرانسه و ایتالیا

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- الیاسی، حسین و طجریلو، رضا، ۱۴۰۳، بررسی تطبیقی رقابت پذیری فعالیت های بالادستی نفت و گاز در نظام حقوقی ایران و نروژ، **فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی**، شماره ۸۱
- فرنام، سیدمحمد؛ صفری فرد، مهدی؛ حسین پور، الهام، ۱۴۰۲، بررسی حقوق بین الملل و تحلیل قراردادهای تجاری بین المللی، **فصلنامه مهندسی و مدیریت ساخت**، شماره ۱.

لاتین

- Bayne, N., & Woolcock, S., 2017, *The New Economic Diplomacy* (4th ed.). Routledge.
- Bonell, M. J., 2018, *The UNIDROIT Principles in Practice*. Kluwer Law International.
- Born, G., 2021, *International Commercial Arbitration* (3rd ed.). Kluwer Law International.
- Crisis Group., 2018, *The Iran Nuclear Deal at Two: A Status Report*. International Crisis Group.
- ICSID, 2021, *Annual Report: Caseload Statistics*. World Bank Group.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S., 2012, *Power and Interdependence* (4th ed.). Longman.
- Oxford Energy., 2018, *Progress, Challenges, Uncertainty: Ambivalent Times for Iran's Energy Sector*. Oxford Institute for Energy Studies.
- UNCITRAL, 2020, *Status: New York Convention*. United Nations.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.26- Winter 2026

Analysis of the Issuing Bank's Liability under the Law of Documentary Credits

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi

The Role of Artificial Intelligence in Improving Criminal Investigation Processes and Digital Evidence Analysis in the Iranian Legal System

Amirreza Mahmoudi, Zahra Rahnama

Revisiting Contractual Obligations in Conditions of High Inflation: an Analysis of Adjustment Capacities in Iranian Law

Shima Shakouri, Ghasem Nabizadeh Kebrya

Iranian Criminal Policy Pathology Regarding the Crimes of Rebellion, Moharebeh and Corruption on Earth in Light of the Concept of National Security and Political Stability of the Country

Ruhollah Sheikhi, Mohammad Momahmoodi

The Framework of Civil Liability Arising from High-Risk Recreational Activities: A Study of Escape Rooms

Rahim Mokhtari, Gholamhossein Keshavarz

Handling Intellectual Property Claims in the Iranian Legal System

Sayyed Mohammadbagher Haghayeghi, Mohammadreza Nasiri, Amirhasan Abolhasani

Criminological Analysis of Crimes in the Field of Cryptocurrencies: A Study of Common Frauds in Iran

Hossein Mahmoudi Tekanloo, Roya Asiaei

Preventive Strategies for the Crime of Rent-Taking in Iran's Criminal Policy with an Emphasis on Criminological Challenges and Gaps

Fazal Movahedi, Hamidreza Konari Zhadeh, Davoud Salmanpour

An Analysis of the Principle of Proportionality Between Crime and Punishment in the Structure of the International Criminal Court

Hasan Pirfalak, Tayebe Ghodrati Siyahmazgi

Agreement Between the Parties to the Contract in Determining the Evidence to Prove the Claim

Habibolah Abdollah Poor, Mahdi Shojayi

Performance of Criminal Courts in Crime Prevention: A Critical Criminology Perspective with Focus on Iran's Judicial System

Iraj Morvati, Naghmeh Farhood

The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions

Mahdi Gharedaqui, Masoud Sarfarazi Saleh

The End of Centralized Governance: an Analysis of the Emergence of Decentralized Governance in the Era of Block chain and Smart Contracts

Hadi Zare, Majid Vaziri

Comparative Analysis of Social Security Compensatory Protection for Bodily Injuries and the Scope of Eligible Victims in Iran and England

Zeinab Tari

Transfer of Lawsuits in the Iranian Legal System with Emphasis on Selected Provisions of the Deeds and Real Estate Registration Law

Amirreza Alitabar

The Position of Artificial Intelligence in the Field of Criminal Policymaking

Mahbobeh Talebi Rostami

Commitment to Data Security as a Commitment to Result or a Commitment to Means in Private Law

Sayyed Amirhasan Mostafavi

Criminal Liability of Technology Companies for Crimes Committed by Users

Vahid Kioumars

Civil Liability Arising from Automated Processing of Personal Data by Artificial Intelligence in Iranian and Afghan Law

(With a Look at International Documents)

Raziyeh Jafarzade, Vahid Hamidi, Mohammadreza Rashid

The Impact of Legal Awareness and Transparency on the Prevention and Reduction of Administrative and Financial Corruption

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari

Ownership of Personal Data in Private Rights; from Personality Right to Intangible Property

Sina Youseffi

Civil Liability of the Physician and Robot Manufacturer in Robotic Surgeries: Iranian and English Legal Systems

Ebrahim Shiravanian

An Analysis of the Issue of Receiving Compensation for Delayed Payment from the Convict to the Government

Mohammadmahdi Rezvanifar, Zahra Salimi

Legal and Administrative Effects of Acquisition on the Registered Status of Real Estate in the Iranian Legal System

Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Varaste Bazghale

Economic Diplomacy and the Law of Private International Contracts; The Interaction of Politics and Law in Securing National Interests

Radmehr Rahmani Golafshan

Adoption of Artificial Intelligence-Driven Fraud Detection in Banking: The Role of Trust, Transparency, and Fairness Perception in Financial Institutions in Iran, the United Arab Emirates and Qatar

Abdolmajid Youseffi

Criminology of War in the Current Realities and the Need for its Development in Ukraine

Yasser Shakeri